

تغییر دهد. از دید این گروه زمان لغو این تحریم‌های زیانبار فرار سیده است. بویژه قانون مجازاتهای ایران و لیبی که در سال ۱۹۹۶ به تصویب رسید باید بی سروصدا لغو شود. طبق این گزارش، برداشتن تحریم «بهره‌وشنی در جهت منافع آمریکاست... زیرا دنیا وارد دوره جدیدی از کمبود انرژی شده است و ایران ۵ درصد از تولید نفت جهان را دارد.» گزارش شورای آتلانتیک حاوی پیشنهادهای دیگری هم هست. برای نمونه، خوب است ایالات متحده سیاست‌های خودش در قبال ایران را با متحدان اروپایی‌اش هماهنگ کند. کشورهایمانند فرانسه، انگلیس و آلمان، دیدگاه کاملاً متفاوتی درباره ایران و انقلابش دارند. شاید مهم‌تر از هماهنگی سیاستهای آمریکا و اروپا در قبال ایران، موضع کشورهایی چون روسیه و چین باشد. این هر دو کشور تلاش زیادی به عمل می‌آورند تا روابط نزدیک‌تری با ایران برقرار سازند.

روسیه و ایران

بافر پاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده و روسیه دوران جدیدی از همکاری را آغاز کردند. اگر چه سابقاً اتحاد جماهیر شوروی به عنوان یک ابر قدرت هم‌شان مطرح بود ولی با سقوط موقعیت اقتصادی و سیاسی‌اش، جایگاه گذشته خود را در سلسله مراتب قدرت از دست داد. ایالات متحده که اکنون تنها ابر قدرت جهانی به شمار می‌رود محتاطانه کمک‌هایی در اختیار دولت‌های مختلف روسیه که با بحرانهای اقتصادی و سیاسی حادی روبرو بوده‌اند، قرار داده است. در عوض آمریکا انتظار داشت که روسیه تضعیف شده با خواسته‌هایش موافقت کند. این موافقت در خاور میانه به معنای سرنگونی رژیم صدام حسین در عراق، همکاری با جهان غرب در زمینه تولید و قیمت‌گذاری نفت، تضعیف حکومت اسلامی ایران، تعقیب سیاستهای معتدل در آسیای مرکزی و همراهی با خواسته‌های آمریکا در مورد مسئله بحرانی اسرائیل فلسطین بود. روسیه در برابر این سیاست مقاومت کرد ولی در دو جنگ خلیج فارس سکوت پیشه کرد. سپس بنا به نیاز داخلی

بیش از دو دهه از حیات انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد. از جمله چالش‌هایی که ایران با آن روبرو بوده درگیر شدن در جنگ تحمیلی ۹۵ ماهه با همسایه‌اش عراق، دشمنی فعال با آنها ابر قدرت جهان و مشکلات اقتصادی و سیاسی داخلی بوده است. ایران به خاطر جمعیت زیاد، موقعیت استراتژیک، ذخایر غنی نفت و گاز، شور و حرارت ایدئولوژیک و میل شدید به استقلال خواهی هنوز دارای منافع ویژه‌ای برای آمریکا است. واشینگتن ایران را به نقض حقوق بشر، تروریسم بین‌الملل و سرسختی سیاسی متهم کرده است. سیاست‌گذاران پنج دولت گذشته در آمریکا، در صدد تضعیف ایران و کم کردن اعتبار آن در صحنه بین‌الملل بوده‌اند. این تلاش‌ها شکست خورده است و برخی عناصر مهم وزارت امور خارجه آمریکا به این نتیجه رسیده‌اند که باید رویکرد تازه‌ای در پیش گرفته شود. در این طرح جدید تأکیدها متوجه دیپلماسی خلاق، مشارکت سازنده و گام‌هایی حساب شده برای نزدیکی دوباره دو کشور است.

گزارش شورای آتلانتیک

از جمله تلاشهای فکری جدی که برای برخورد با مسئله روابط ایران-آمریکا صورت گرفته است می‌توان از گزارش شورای آتلانتیک نام برد که حاصل کار فعالیت ۳ ساله گروه کار این شورادر مورد ایران بوده است. این شورا گروهی متشکل از ۶ سیاست‌نگذار (در گذشته و حال)، دانشگاهیان و ناظران آگاه فراهم آورد تا «استراتژی متفاوت» و «رویکرد جدیدی» برای آمریکا در قبال ایران در اندازند. گزارش این گروه جامع و خلاقانه بود و بر توجه کامل به «منافع ملی» آمریکا که به سه دسته منافع ژئواستراتژیک، اقتصادی و انرژی تقسیم می‌شد پایه می‌گرفت. در این بررسی مهم همه موضوعات حائز اهمیت بازشناسی و برخی توصیه‌های منطقی مطرح شده بود.

برای نمونه، گزارش شورای آتلانتیک بر این واقعیت تأکید داشت که تحریم‌ها و مجازاتهایی که آمریکا وضع کرده نتوانسته است رفتار سیاسی ایران را

سیاست استیلاجویی: ایالات متحده و ایران

نوشته جیمز بیل

ترجمه عباس ایمان پور

منبع:

Middle East Journal, Sep. 2001

برای ایجاد یک کشور فرا کمونیستی و تدوین سیاست خارجی مؤثر، به اقدامات مستقلی دست زد که عزت نفس و اعتبار بین المللی اش را بالا برد. این تجدید حضور سیاسی تا حد زیادی حول مسائل مربوط به خلیج فارس و آسیای مرکزی دور می زد. روسیه در عین حفظ بی سرو صدای روابطش با صدام حسین همزمان در صدد بازسازی و تقویت روابطش با دولت اسلامی ایران نیز بر آمد. در تعقیب این نوع سیاستها بود که بین روسیه و آمریکا اصطکاک ایجاد شد.

بر خلاف میل آمریکا، روسیه قرار دادهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی متعددی با ایران منعقد کرده است. آمریکا نیز مرتباً از همکاری روسیه در زمینه های انرژی هسته ای، اسلحه و تجارت با ایران انتقاد کرده است. در این زمینه واشینگتن نتوانسته است بر فشار روسیه ایران را تغییر دهد. بر عکس، این روند متضاد همچنان رویه توسعه است. هر چه آمریکا فشار بیشتری وارد می کند روسیه روابط نزدیکتری با ایران برقرار می کند.

در ماه مارس ۲۰۰۱ رئیس جمهور ایران محمد خاتمی، سفری تاریخی به روسیه داشت. در این سفر دو کشور موافقت نامه های دو جانبه متعددی با هم امضا کردند. خاتمی اولین مقام بلندپایه ایرانی بود که پس از انقلاب ایران از مسکو دیدار کرد. این سفر بنا به دعوت رسمی یوتین انجام گرفت. دیدار آقای خاتمی از روسیه باعث شد که روسیه قول دهد نیروگاه اتمی بوشهر را تکمیل کند و سلاحهای متعارف پیشرفته ای در اختیار ایران بگذارد. ایالات متحده به خاطر انتقال تکنولوژی نظامی به ایران سخت از روسیه گلایه کرد. در پاسخ، ایران و روسیه اظهار کردند که این توافقات به نفع منطقه است چرا که به تقویت ثبات در خلیج فارس کمک می کند.

با توجه به تقویت روابط بین ایران و بازیگران جهانی مهمی چون روسیه و چین، ایالات متحده هر روز بیش از پیش خود را تنها احساس می کند. از زمانی که ایران روابط خود را با کشورهای خلیج فارس از سر گرفته است، آمریکا حتی تنها تر مانده است. از سال ۱۹۸۸ تا کنون جمهوری اسلامی ایران هر سال

کنفرانس ها و نشست های چشمگیری برگزار می کند تا روابط نزدیکتری با کشورهای خلیج فارس پی ریزد.

گزارش شورای آنالیتیک به روش شکستن این بن بست تا کید خاصی دارد. بویژه بر اهمیت بی ریزی رابطه تازه ای با ایران با توسل به تجارت و بازرگانی تأکید شده است. وقتی تحریم های اقتصادی برداشته شود و اوضاع داخلی ایران نشان دهد که زمان مناسب فرار سیده است می توان روابط تجاری جدی با ایران برقرار کرد. اگر این روابط به نوبه خود بار و ابط فرهنگی و آموزشی نیز تکمیل شود، راه برای روابط سیاسی هموار می شود.

این توصیه های بانگ شیوه جدیدی در قبال ایران است که سخت به آن نیاز است اما اگر تحلیل به صورت کاملتر و منسجم تر صورت می گرفت گزارش بهتری تنظیم می شد. هم ایران و هم آمریکا جایگاه مهمی در جامعه بین الملل دارند و فعالیت آنها باید در این جامعه جهانی محک زده شود.

سیاست استیلاجویی

من در این تحلیل در پی آنم که از گزارش شورای آنالیتیک به عنوان یک سکوی پرتاب به سوی تفاهم جدید میان ایران و آمریکا استفاده کنم. بدین منظور این روابط را از پشت دره بین نظریه استیلاجویی بررسی می کنم. این رویکرد نظری بر ظهور و سقوط ابرقدرت های «هژمون ها»ی منطقه ای و جهانی هر دولت ملی که در منطقه خاص خود دایر کل جهان قدرت فوق العاده ای دارد تمرکز دارد. (هژمونیاوازه ای یونانی است که به معنای نفوذ غالب یک دولت بر دولت دیگر است).

بافر و باشی اتحاد جماهیر شوروی ایالات متحده به عنوان تنها قدرت استیلاجویی بی رقیب در جهان مطرح شد. در غیاب یک رقیب قدرتمند، این قدرت استیلاجویی سالهاست در دست داد و در جستجوی تهدیدات جدیدی در جهان بر آمد. جای تعجب نیست که این جستجو خیلی زود نتیجه بخشید. ایالات متحده گروهی از هژمون های نسبتاً مستقل منطقه ای را

○ سیاستگذاران پنج دولت گذشته در آمریکا در صدد تضعیف ایران و کم کردن اعتبار آن در صحنه بین الملل بوده اند. این تلاشها شکست خورده است و برخی عناصر مهم وزارت خارجه آمریکا به این نتیجه رسیده اند که باید رویکرد تازه ای در پیش گرفته شود.

زیرسیستم‌های خاورمیانه و شرق آسیا

ایران و چین در مرکز زیرسیستم‌های بین‌المللی خاورمیانه و شرق آسیا قرار دارند که اعمال نفوذ در آنها بازتاب جهانی دارد. نمودار ۱، جایگاه هر کدام از آنها را نشان می‌دهد. در این نمودار روابط ایران و آمریکا در بستر روابط چین با ایالات متحده و دیگر بازیگران آسیای شرقی نمایش داده شده است.

این نمودار کمک می‌کند تا روابط پیچیده بین قدرت استیلاجوی جهانی و هژمون‌های اصلی منطقه‌ای مانند ایران و چین را تبیین کنیم. این دو کشور گرفتار تنش سیاسی با ایالات متحده هستند. همچنین کشورهای عراق، سوریه و لیبی هژمون منطقه‌ای درجه دوم در خاورمیانه هستند. متحدان مهم منطقه‌ای قدرت استیلاجوی جهانی (آمریکا) در خاورمیانه شامل عربستان، مصر و البته اسرائیل است. در شرق آسیا هژمون منطقه‌ای درجه دوم کره شمالی است که گرفتار تنش با آمریکا است در حالی که ژاپن، تایوان و کره جنوبی حامیان قدرتمند آمریکا در منطقه هستند.

ایالات متحده برای حمایت از منافع خود روی همکاری و همراهی متحدان منطقه‌ای خود سخت حساب باز کرده است. در عین حال این استیلاجوی جهانی بی‌سوسه ایران و چین را به عنوان دوا بر قدرت منطقه‌ای به نقض حقوق بشر، تلاش برای ایجاد زرادخانه‌های عظیم نظامی و تهدید همسایگان آمریکا، متهم می‌کند. محکوم شدن ایران و چین از سوی ایالات متحده منجر به شکل‌گیری پیمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده است که در قالب آنها ایران و چین در مرکز دایره‌های متحدالمرکز از کشورهای مخالف آمریکا از جمله سوریه و کره شمالی قرار گرفته‌اند.

ایران و چین

ایران و چین بر قلمروهای جهانی خود سایه سلطه خویش را افکنده‌اند. هر دو کشور در قرن بیستم شاهد انقلابها و خیزش‌های مهم سیاسی بوده‌اند. هر دو چالش‌های شدید اقتصادی را تجربه کرده‌اند. هر دو

یافت که نفوذ خود را بر منطقه‌ای خاص از جهان گسترده‌بودند و بی‌سوسه در برابر فشارهای این استیلاجوی جهانی مقاومت می‌کردند.

ایالات متحده این قدرت‌های منطقه‌ای را تا حدودی به خاطر عدم همراهی با خواسته‌های آمریکا محکوم کرده و آنها را کشورهای «نافرمان»، «متمرد» یا «قانون‌شکن» خوانده است. در سال ۱۹۸۵ ریگان رئیس‌جمهور وقت آمریکا کشورهای کوبا، ایران، لیبی، نیکاراگوآ و کره شمالی را که بازاده‌ای راسخ استقلال خود را پاس می‌دارند «اعضای فدراسیون دولتهای قانون‌شکن» نامید. در دهه گذشته ایالات متحده پیوسته کشورهای عراق، ایران، کره شمالی، لیبی و کوبا را به ترتیب اولویت کشورهای «قانون‌شکن» نامیده است. گاهی اوقات نیز چین، روسیه، سوریه و سودان هم کشورهایایی هستند که از نظر آمریکا در ردیف کشورهای دارای سابقه بد سیاسی قرار می‌گیرند.

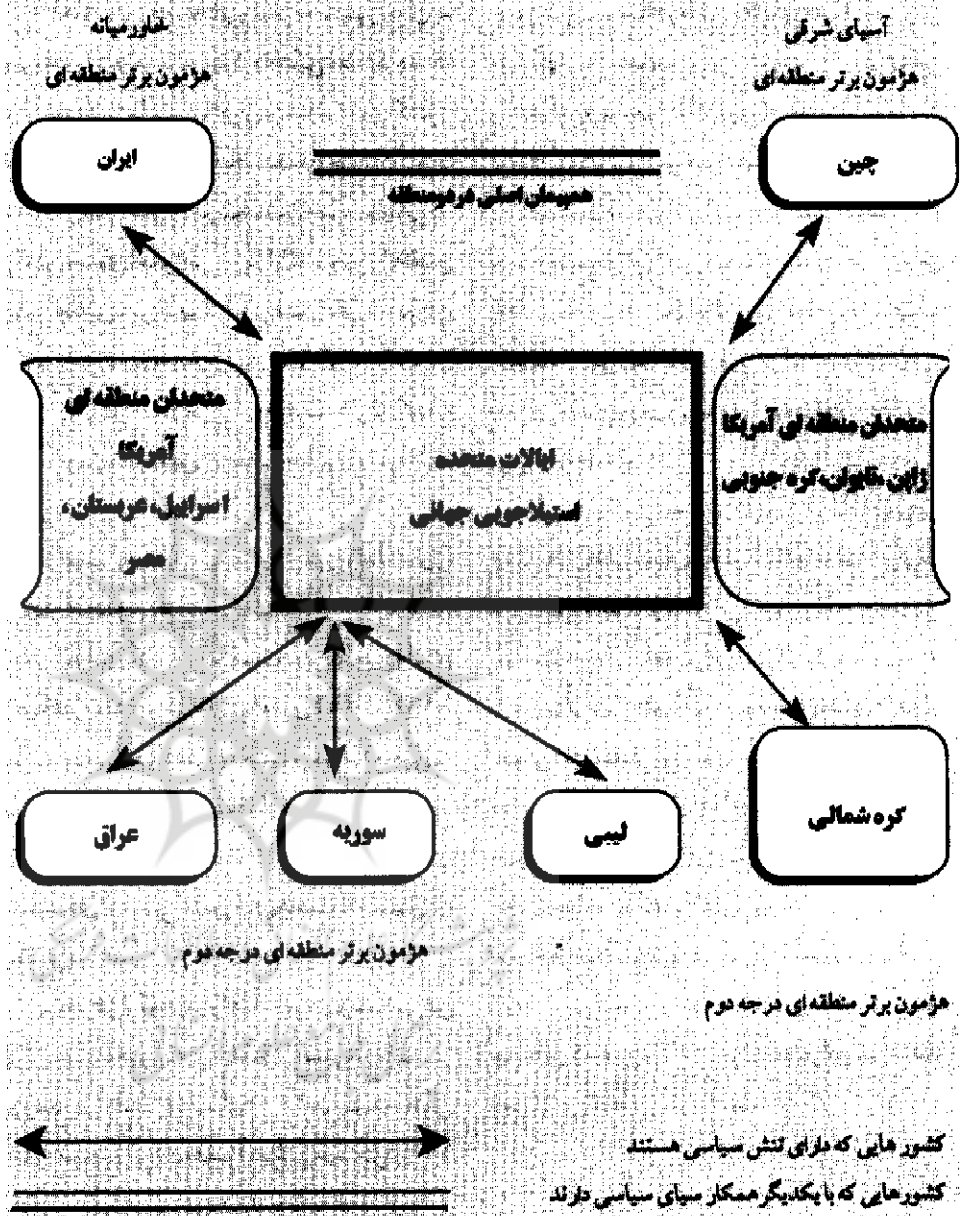
این مقاله بر این فرضیه پایه می‌گیرد که ایالات متحده به دنبال جلوگیری از ظهور هژمون‌های منطقه‌ای مستقل است و هر اندازه که این قدرتها رفتار مستقل‌تری داشته باشند به همان اندازه ایالات متحده آنها را زیر فشار می‌گذارد. همچنین هر قدر دیدگاه‌های این استیلاجوی جهانی و هژمون‌های منطقه‌ای متفاوت باشد تنش سیاسی بین آنها بیشتر می‌شود. نهایتاً اینکه قدرت استیلاجوی جهانی (آمریکا) بویژه دنبال آن است که رفتار هژمون‌های منطقه‌ای را در مناطقی که از نظر ژئواستراتژی و منابع طبیعی با اهمیت هستند، تحت کنترل خود درآورد. از نظر آمریکا ایران و چین دو هژمون منطقه‌ای هستند که باعث نگرانی شدید آمریکا شده‌اند.

به عنوان بخشی از سیاست مهار و کنترل، ایالات متحده روی پشتیبانی متحدان منطقه‌ای خود حساب می‌کند: در خاورمیانه، شورای همکاری خلیج فارس و اسرائیل، و در شرق آسیا کشورهای مثل تایوان و ژاپن. و انگهی ایران، چین و روسیه نیز نمایانگر جدی‌ترین چالش‌گران با این استیلاجوی جهانی هستند.

○ ایالات متحده به دنبال جلوگیری از ظهور هژمون‌های منطقه‌ای مستقل است و هر اندازه که این قدرتها رفتار مستقل‌تری داشته باشند به همان اندازه ایالات متحده آنها را زیر فشار می‌گذارد.

شکل ۱ سیاست استیلاجویی ایالات متحده در خاورمیانه و آسیای شرقی

○ ایالات متحده به عنوان تنها قدرت استیلاجوی جهانی همچنان به ایران لز پشت عینکی می نگرد که اسرائیل برایش ساخته است.



از همان دوران حکومت محمدرضا شاه پهلوی مورد تصدیق قرار گرفته بود. در اوت ۱۹۷۱ ایران جمهوری خلق چین را به رسمیت شناخت و اندکی بعد دو کشور به تبادل سفیر پرداختند. سال بعد فرح دیدلری دو هفته ای از چین به عمل آورد. در آستانه انقلاب ایران در دسامبر ۱۹۷۷ تنگ بینگ چائو کشور منتهم به نقض حقوق بشر شده اندو برای استقلال سیاسی و خودمختاری ملی ارج زیادی یافتند. این دو کشور مورد توجه آمریکا قرار گرفته اند و آمریکا می خواهد این دو کشور و سیاستهای آنها را تحت نفوذ خود در آورد.

اهمیت چین برای ایران و اهمیت ایران برای چین

Teng Ying Chao رهبر چین برای عقد قرارداد های اقتصادی راهی تهران شد.

بازپسروزی انقلاب ایران و اعمال فشار های شدید سیاسی و اقتصادی توسط آمریکا، ایران مایوسانه به دنبال حمایت های بین المللی می گشت. در سپتامبر ۱۹۹۲ هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور ایران، به چین سفر کرد و دو کشور قرار داد هایی امضا کردند که در آن چین قول داده بود به ایران در ساختن دورا اکتور اتمی برای تولید برق و مقاصد صلح جویانه کمک کند. آمریکا به عنوان قدرت استیلاجوی جهانی در واکنش صدای اعتراض خود را بلند و چین را به نقض شدید حقوق بشر متهم کرد و بر فشار های خود بر آن کشور افزود. در چهارم ژوئن ۱۹۸۹ واقعه میدان «تیان آن من» رخ داد و پس از آن به مدت بیش از یک دهه آمریکا پیوسته چین را به نقض حقوق بشر متهم می کرد.

در همین دوره بود که ایران و چین روابطشان را بسیار گسترش دادند. در اوایل دهه ۱۹۹۰ به علت فشار زیاد آمریکا بر این دو کشور، روابط چین و ایران نزدیکتر شد. در خلال سالهای ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ مناسبات میان دو کشور به حدی رسید که چین در سلسله مراتب روابط دیپلماتیک با ایران رتبه هشتم را در جهان احراز کرد. هفت کشور اول (به استثنای هندوستان) همگی کشورهای همسایه جمهوری اسلامی بودند.^۲ با آغاز هزاره جدید روابط اقتصادی و سیاسی بین ایران و چین به صورت بی سابقه ای گسترش یافت. در روزهای ۲۱ تا ۲۵ ژوئن سال ۲۰۰۰، محمد خاتمی رئیس جمهور ایران به همراه هیئتی متشکل از ۱۷۰ مقام رسمی دیداری تاریخی از چین به عمل آورد. او در جریان این دیدار با امضای پنج یادداشت تفاهم با چین در صدد توسعه روابط ایران با این کشور بر آمد. خاتمی بر پیوندهای تاریخی و سابقه ای که دو امپراتوری ایران و چین را به هم مرتبط می ساخت تأکید کرد و «تک قطبی شدن جهان» را بوسیله ایالات متحده محکوم کرد.

در دهه ۱۹۹۰ چین به ایران تکنولوژی موشکی فروخت و ایالات متحده به چین فشار آورد تا این

فروش هارامتوقف سازد. چین عملاً و به شکل مؤثر در برابر این فشارها مقاومت کرد و سیاستی نسبتاً دوگانه در پیش گرفته است. گاهی با خواسته های آمریکا کنار می آید و گاهی نیز خواسته های آن را نادیده می گیرد. برای مثال در ۲۱ نوامبر سال ۲۰۰۰ چین پس از مخالفت آمریکا بپذیرفت که فروش موشک های بالستیک به ایران را متوقف سازد. در عوض واشینگتن وعده داد که تحریم های اقتصادی را که در مورد این تکنولوژی بر چین تحمیل کرده بود بردارد.

امروزه رهبران چین اصرار دارند که کشورشان باید در خلیج فارس حضور داشته باشد. «رهبران چین به کاربرد قدرت آمریکا احترام می گذارند اما در ضمن نسبت به آن بی اعتمادند. فروش اسلحه باعث نفوذ چین در خلیج فارس می شود که قدرت آمریکا در آن برتر از همه است.»^۲

اگر چه ایالات متحده بر هر دو کشور ایران و چین فشار های اقتصادی و دیپلماتیک وارد کرده ولی در مورد چین محتاط تر عمل کرده و با این قدرت آسیایی، سیاست «مشارکت استراتژیک» را پی گرفته است. اما در مورد ایران، ایالات متحده به عنوان استیلاجوی جهانی، سیاست ریز و پاریسی بر اساس تحریم تجاری را به اجرا گذاشته است. این تفاوت نتیجه قدرت و وسعت چین است. گذشته از این جمهوری اسلامی به علت مخالفت آمریکا با انقلاب ایران و همراهی آمریکا با صدام در جنگ با ایران در جریان تهاجم سپتامبر ۱۹۸۰، این کشور را مورد پرخاش قرار داده است. نهایتاً این که چین برخلاف ایران خود را درگیر مسئله اسرائیل و فلسطین نکرده است.

عامل اسرائیل

عامل مهم دیگری که کمتر از آن بحث شده در حالی که روابط ایران و آمریکا را تیره کرده است به دو هم پیمان بسیار مهم آمریکا در منطقه یعنی عربستان و اسرائیل بازمی گردد. جایگاه ممتاز عربستان به روشنی نتیجه ثروت نفتی فوق العاده آن است. از سوی دیگر، اسرائیل رابطه گسترده و صمیمانه ای با آمریکا دارد که دلایلی بسیار عمیقتر از ذخائر نفتی دارد. منافع

○ مهم ترین مسئله
امنیتی که سیاست های آمریکا
را به عنوان قدرت
استیلاجوی جهانی در
خاور میانه شکل می دهد
حول منافع دولت اسرائیل
دور می زند.

استیلاجوی جهانی در خاور میانه شکل می دهد حول منافع دولت اسرائیل دور می زند.

بر طبق این گزارش «قضایوت آمریکا در رفتار ایران عمدتاً بر اساس مخالفت آن کشور با روند صلح و حمایت از گروه های تروریست مخالف اسرائیل پایمیزی می شود».

در مجموع، در سایر روابط ویژه ای که بین آمریکا و هم پیمان منطقه ای کوچک کولی قدرتمندش وجود دارد، عادی سازی روابط بین ایران و آمریکا امکان پذیر نخواهد بود. در این بین، آمریکا ایران را که یک قدرت بزرگ منطقه ای و کشوری است که در درازمدت برای منافع ملی آمریکا اهمیت فراوان دارد از خود رنجانده است.

بر خور داستیلاجویان

اگر چه در آخرین سالهای دولت کلینتون گامهای کوچکی برداشته شد ولی ایران و آمریکا همچنان گرفتار رابطه تنش آلودی هستند که برای هر دو پرهزینه بوده است. منافع ملی دو کشور قربانی این مناقشه مداوم شده است. موضع آمریکا بر چهار دلیل مرتبط باهم استوار است. بر طبق نظر رسمی آمریکا ایران از تروریسم بین المللی حمایت می کند، به دنبال دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی است، پرونده بدی در زمینه حقوق بشر دارد و باروند صلح خاور میانه مخالف است. این دلایل از سال ۸۰-۱۹۷۹ یعنی زمانی که در آن دیپلمات های آمریکایی در تهران گروگان گرفته شدند شروع شد.

جمهوری اسلامی هم برای موضع گیری خود دلایل خودش را دارد و آمریکا ابه موارد زیر متهم می کند: ایالات متحده مخالف انقلاب ایران بوده، از صدام حسین در تهاجم عراق به ایران در سپتامبر ۱۹۸۰ حمایت کرده، مجموعه ای از تحریم های ایران اعمال کرده که اقتصاد ایران را فلج نمود و هوایمهای مسافربری ایران را سرنگون کرده است (در ژوئیه ۱۹۸۸ یک ناو گشتی مدرن آمریکا به نام وینسنس Vincennes، هوایمهای ایران را سرنگون کرد که به مرگ ۲۹۰ سرنشین آن انجامید).

وسایستهای اسرائیل به وسیله حمایت های سیاسی و اقتصادی فوق العاده نمایندگان کنگره و رهبران فکری آمریکا به پیش برده می شود.

حامیان پرواقراص اسرائیل در ایالات متحده نسبت به ایران همسوی با اسرائیل گام بر می دارند. در حالی که روابط ایران و عربستان در چند سال گذشته به میزان قابل توجهی گرم تر شده است ولی به عید به نظر می رسد که اسرائیل و ایران به این زودی ها به هم نزدیک شوند. اگر چه شورای آتلانتیک پیشنهاد کرده است که برای گشایش جدی مناسبات با ایران تحریم های این کشور برداشته شود ولی گروه های طرفدار اسرائیل در آمریکا که قدرت و نفوذ زیادی هم دارند با این پیشنهاد حزم اندیشه مخالفند، قدرت استیلاجوی جهانی (آمریکا) همچنان به ایران از پشت عینکی که اسرائیل برایش ساخته است می نگرد. هر چند دولت جرج بوش سعی دارد تا در سیاست آمریکا در مورد ایران به شکل جدی بازبینی کنولی ایپاک (کمیته امور عمومی آمریکا بیان اسرائیلی تبار) که سازمانی طرفدار اسرائیل می باشد با آن مخالف است. در حالی که دولت بوش سعی داشت کار ساز بودن سیاست مبتنی بر تحریم های ایران را بر رسی کند ایپاک موافقت هفتاد نماینده کنگره را جلب کرد تا لایحه ای را در این که تحریم های ایران ادامه یابد امضا کنند. مقالات زیادی در روزنامه های چاپ رسید که ایران را همچنان کشوری نافرمان معرفی می کرد و در آنها بر ادامه تحریم ها تأکید شده بود. برای این گروه اهمیت چندانی ندارد که چنین سیاستی غیر سازنده بی نتیجه بوده و به منافع درازمدت آمریکا لطمه زده است. حتی گروه کارشورای آتلانتیک درباره ایران هم که گروهی پر قدرت است که نهایتاً پیشنهاد لغو تحریم های ایران داده است در بر گیرنده طرفداران پرواقراص اسرائیل است که خواهان پی ریزی سیاست آمریکا در قبال ایران بر اساس منافع اسرائیل هستند. برای مثال در متن مقدماتی گزارش شورای آتلانتیک آمده بود که «موضع گیرهای مخالف ایران و آمریکا در مورد دستیز فلسطین و اسرائیل مهم ترین مسئله امنیتی است». به دیگر سخن، مهم ترین مسئله امنیتی که سیاستهای آمریکا را به عنوان قدرت

○ با توجه به تقویت روابط بین ایران و بازیگران جهانی مهمی چون روسیه و چین، ایالات متحده هر روز بیش از پیش خود را تنها احساس می کند.

○ ساموئل هانتینگتون
 هشدار می دهد که ایالات
 متحده نه تنها يك ابر قدرت
 منزوی است بلکه در حال
 تبدیل شدن به يك
 «ابر قدرت نافرمان» است .

پرونده سیاست خارجه ایران از بسیاری جهات صحیح و سازنده بوده است. برای مثال، ایران در آزاد ساختن گروگانهای غربی در لبنان نقشی کلیدی بازی کرد و در جنگ خلیج فارس که صدام حسین به راه انداخت به دقت بی طرف ماند. در آسیای مرکزی ایران به عنوان میانجی و داور نقش مهمی بازی کرده است. ایران برای برقراری ثبات در کشورهای تاجیکستان، افغانستان، آذربایجان، ارمنستان، سخت کوشیده است. در این چارچوب باید یاد آور شد که ایران در مبارزه با گروه بنیادگرای نظامی طالبان بیش از دیگران درگیر بوده است و خاتمی رئیس جمهور ایران، آمریکارابه گفتگو فرارخوانده است.

اگر چه در نظام سیاسی داخلی ایران عنصری از اقتدارگرایی وجود دارد اما بر خلاف بسیاری از همسایگانش مکانیزم های مهم دموکراسی مشارکتی را توسعه داده است. انتخابات ایران عموماً عادلانه و آزاد بوده است. مباحثات مهمی در مجلس شورای اسلامی درمی گیرد. انتخاب محمد خاتمی پریاست جمهوری در ژوئن ۲۰۰۱ پیروزی چشمگیری برای وی محسوب می شد. خاتمی و بسیاری از متحدان او برای ایجاد اصلاحات در کشور در حال مبارزه هستند. ایالات متحده به تلاش برای تحولات سیاسی جدی در ایران چندان توجه نداشته است.

ایرانیان به علت بسیاری اقدامات ابر قدرت جهانی خشمگین و سر درگم شده اند. مقامات آمریکایی تکیه بر شهر و ندان ایرانی را هدف تحقیر و آزار قرار داده اند. در این زمینه ۳ نمونه کفایت می کند. در ژوئیه ۱۹۹۳ چهار تن از دانش آموزان ایرانی شرایط حضور در المپیاد بین المللی فیزیک در ویلیامزبورگ ویرجینیای احراز کردند. دوستان، معلمان و خانواده های دانش آموزان در فرودگاه مهر آباد حاضر شدند تا این جوانان خوش آتیم را بدرقه کنند اما شور و شوق این دانش آموزان تنها تارم دوام داشت. درم مقامات دولت آمریکا از دادن پروا دید به آنان سر باز زدند و آنها مجبور شدند به تهران برگردند. دوم، وقتی ورزشکاران از جمله کشتی گیران و فوتبالیست های ایرانی به آمریکا مسافرت کردند از آنها اکسپرداری و انگشت نگاری شد. گویی آنها عده ای تبهکار شناخته

شده اند. در يك مورد کشتی گیران ایرانی به جای انگشت نگاری به تهران بازگشتند. در آوریل ۲۰۰۱ جعفریناهی کارگردان ایرانی که جوایزی نیز کسب کرده است در جریان پرواز از هنگ کنگ به آمریکای جنوبی هنگام عبور از فرودگاه جان اف کندی توسط مأموران اداره مهاجرت و اتباع بیگانه آمریکا دستگیر شد. وقتی ناهی اجازه نداد از او انگشت نگاری و عکس برداری کنند با دستبند دستانش را بستند و با زنجیر آهنین تمام شب او را به يك نیمکت بستند و بعد از ۱۸ ساعت این کارگردان را که فیلمهای انتقادی می سازد از زنجیرها کردند دست بسته تاهو ایلمایی که او را به هنگ کنگ بر می گرداند، همراهی کردند. این گونه اعمال غیر انسانی از چشم ایران و جامعه هنرمندان جهان پنهان نمانده است.

حتی همبیماتان آمریکاهم روشهای این کشور را زیر سؤال برده اند. ساموئل هانتینگتون هشدار می دهد که ایالات متحده نه تنها يك ابر قدرت منزوی است بلکه در حال تبدیل شدن به يك «ابر قدرت نافرمان» است. بسیاری از کشورها در سراسر جهان آمریکارایك کشور «مداخله گر، استثمار گر، يك جانبه گر، استیلا طلب، استکباری و کشوری ریاکار می دانند که يك بام و دو هوارفتار می کند و درگیر اقداماتی است که لقب امپریالیسم مالی و استعمار فکری برای آن مناسب است.»^۵

اگر چه خصوصیت بین آمریکاو ایران هنوز هم ادامه دار دولی این دو کشور منافع مشترک بسیاری در منطقه دارند. هر دو کشور خواهان ثبات در خلیج فارس و آسیای مرکزی هستند. هر دو خواهان مبارزه با قاچاق مواد مخدر که منطقه را آلوده کرده است می باشند. هر دو منافع اقتصادی مشترکی در استخراج و بهره برداری از نفت و گاز طبیعی دارند. هر دو مخالف رژیم صدام حسین در عراق هستند.

با توجه به این منافع مشترک و اهمیت نسبی هر دو دولت در صحنه جهانی به نظر طبیعی می رسد که تنش های بین دو کشور زودده شود. اما برای زدودن این تیرگی باید هر دو کشور دیپلماسی خلاقانه در پیش گیرند. برای مثال هژمون جهانی (آمریکا) باید با ایران به عنوان عضوی مستقل از جامعه بین المللی طرف

شود و باشهر و ندان ایرانی با احترام و شأنی که در خور آنهاست رفتار نماید.

قدرت و استیلاجویی

ایالات متحده برای حفظ و توسعه قدرت استیلاطلبی خود، سیاستهایی طرح ریزی کرده تا قدرتهای منطقه ای مانند ایران و چین را تضعیف نماید. فشارهای وارده از سوی این قدرت استیلاجوی جهانی غالباً عواقبی ناخواستموز باینبار دارد. برای نمونه، فشاری که ایالات متحده بر این کشور ها وارد می آورد همچون یک عامل تسهیل کننده در جهت تقویت و تحکیم روابط بین هژمونهای منطقه ای مسلط عمل می کند. نمودار ۱ نشان می دهد که چگونه دو هژمون منطقه ای یعنی ایران و چین به صورت همپیمسانان اصلی دو منطقه درآمده اند. اعلام محکومیت این دو کشور از سوی آمریکا باعث تشکیل ائتلاف های درون منطقه ای و بین دو منطقه شده است که بر اساس آنها ایران و چین در کانون دوایر متحد المرکزی از کشورهای ناخرسند و مقاوم در برابر استیلاجوی مداخله گر ایانه ایالات متحده قرار گرفته اند. در خاور میانه و آسیای شرقی، این کشورها به ترتیب شامل سوریه و کره شمالی می باشند.

آمریکا به عنوان تنها قدرت استیلاجوی جهانی قصد دارد سیاست خارجهی خود را بر اساس توان نظامی پیگیری نماید. آمریکا علی رغم بودجه دفاعی هنگفت و تسلیحات پیچیده ای که دارد در یافته است که قدرتش نامحدود نیست. تیردابعراق این حقیقت را ثابت کرد. ۷۰۰ میلیارد دلار هزینه های نظامی آمریکا نتوانست رفتار صدام حسین را تغییر دهد. در خلال دهه گذشته آمریکا بیش از ۷۰۰ موشک تاماهاک به ارزش تقریبی یک میلیارد دلار بر ضد عراق و اهداف دیگر در سودان و افغانستان به کار برده است. واشینگتن کم کم می فهمد که مسائل سیاسی و اجتماعی پیچیده را نمی توان با بمباران حل کرد (با وجود این دولت جرج دبلیو بوش بر نامه هایی برای پیگیری سیستم پر هزینه دفاع موشکی دارد که کشورهای اروپایی، روسیه و چین به شدت با آن مخالفت کرده اند).

سیاست این قدرت استیلاجوی جهانی در قبال حکومتهای مناطق خاص، متفاوت است. این تفاوت به معلول دیدگاههای متفاوتی است که فرهنگها و تمدنهای دارند. در این چارچوب، هژمونهای منطقه ای اصلی مانند ایران، چین و کره شمالی نماینده فرهنگهایی هستند که ظاهر آسخت با ایالات متحده بیگانه اند. چین را اغلب به چشم کشوری با ملتی پر شمار و واپسگرا می نگرند که در فقر و نادانی زندگی می کنند. کره شمالی به رفتارهای «عجیب و غیر قابل اعتماد» متهم است. ایران را سرزمین گر به، خاویار و فرش می دانند و ادعای می کنند که در آن تعصبات بر عقل و منطق پیروز شده است.

نتیجه گیری

ایالات متحده به عنوان قدرت استیلاجوی جهانی، اکنون از بهترین موقعیت برای دست زدن به ابتکاراتی بر خوردار است که سیاست جدیدی را در قبال ایران پی ریزد. گزارش شورای آتلاتیک پیشنهاد می کند که بن بست فعلی باید بر چیده شود زیرا این اقدام در جهت منافع ملی آمریکا است. با در نظر گرفتن موقعیت ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای و به خاطر داشتن جمعیت زیاد و منابع عظیم سوختهای هیدروکربنی سرانجام آمریکا باید روزی رابطه خود را با جمهوری اسلامی ایران توسعه دهد. گزارش شورای آتلاتیک دلایل این تنش زدایی را به خوبی آشکار می سازد. با وجود این باید توجه داشت که هر گونه تجدید روابط در جهت منافع ملی جمهوری اسلامی هم باشد، اما بعید است که ایران به صورت رسمی و علنی به ایالات متحده نزدیک شود. رئیس جمهور خاتمی از آمریکا خواسته است که حسن نیت خود را در عمل و نه فقط در حرف ثابت کند. برای نمونه اگر ایالات متحده تحریم های القو کند ایران هم احتمالاً جواب مثبت و سازنده ای خواهد داد.

از نظر ایران که خود یک هژمون منطقه ای است حضور قدرت استیلاجوی جهانی (آمریکا) در خلیج فارس مایه نگرانی است. در عین حال فعالیت های آمریکا در خلیج فارس برای این کشور از نظر

○ با توجه به موقعیت

ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای و به خاطر داشتن جمعیت زیاد و منابع عظیم سوختهای هیدروکربنی، سرانجام آمریکا باید روزی رابطه خود را با جمهوری اسلامی ایران توسعه دهد.

اقتصادی و سیاسی بسیار هزینه‌است. یکی از نتایج از سرگیری رابطه آمریکا و ایران این است که جمهوری اسلامی بعضی از مسئولیت‌های سیاسی محلی را تقبل خواهد کرد. ایران چرخ طبیعی توازن در مقابل عراق است. به نفع آمریکا به عنوان قدرت استیلاجوی جهانی است که از رویارویی روزمره با عراق آهسته آهسته خارج شود و به همزمن منطقه یعنی ایران اجازه دهد تا نقش تاریخی خود را ایفا کند.

هنگامی که قدرت استیلاجوی جهانی (آمریکا) شروع به تجدیدنظر در سیاست‌ها و جایگاه خودش در جهان کند، پیشنه‌ها و جوهر دگرگونی می‌تواند مدنظر قرار دهد. نخست، به همزمن‌های منطقه‌ای اجازه دهد تا ضمن حفظ استقلال و شأن خود اهداف خود را دنبال کنند. رویارویی با آنها و متهم کردن آنها به قانون شکنی و تمرکز تنها آنها را به یکدیگر نزدیک می‌کند که نتیجه آن به وجود آمدن همپیمانانی مثل ایران و چین یا ایران و روسیه است. اینگونه همپیمانی‌ها از همان آغاز رنگ دشمنی با آمریکا به خود می‌گیرد.

دوم، آمریکا باید یک طرح استراتژیک بریزد که راهبر این کشور در جهانی باشد که با تغییرات اساسی روبرو است. برای مثال جمعیت ایران در ۲۵ سال آینده به ۱۰۰ میلیون نفر خواهد رسید. هر کس بر ایران حاکم باشد، این کشور حضور قدرتمند در خلیج فارس خواهد داشت. عربستان به این واقعیت پی برده است و هرگز ایران این کشور از سال ۱۹۹۶ روابطشان را با جمهوری اسلامی ایران از سر گرفته و مستحکم کرده‌اند.

سوم، ایالات متحده به عنوان تنها قدرت استیلاجوی جهانی، در کنار مسئولیت‌های نظامی و سیاسی، دارای مسئولیت‌های اخلاقی هم هست. برای نمونه به نفع آمریکا است که توسعه سیاسی و حقوق بشر را جوهر دانه در جهان ترویج کند. از یک قدرت استیلاجوی جهانی پذیرفتنی نیست که در حالی که از اشتباهات و خطاهای متحدان منطقه‌ای خود مانند عربستان و مصر و اسرائیل چشم‌پوشی می‌کند همزمن‌های منطقه‌ای مانند ایران، سوریه، و لیبی را به خاطر بعضی اتهامات

منزوی کند.

چهارم، ایالات متحده به عنوان قدرت استیلاجوی جهانی باید از رفتارهای آزاردهنده رسمی و اداری در حق شهروندان کشورهای که جزو همزمن‌های منطقه‌ای نافرمان هستند دوری کند. برای مثال در شأن آمریکا نیست که با شهروندان ایرانی و لیبیایی تنها به خاطر این که تابعیت این کشورها را دارا ندر فتاری تشبیه آمیز داشته باشد. ایالات متحده نشان داده است که می‌تواند می‌خواهد با کشورهای مانندی مانند آمریکا شمالی همکاری کند. پس چرا اتنا را با کشورهای مانند جمهوری اسلامی ایران مراد داشته باشد؟

پنجم، تدوین کنندگان سیاست خارجی آمریکا نباید سیاست‌های خود را در مورد یک مسئله با تدوین سیاست‌هایی که مبتنی بر شرایط مسلط در مورد مسائل دیگر است آسیب‌پذیر سازند. این مسئله ویژه در خاور میانه صدق می‌کند که در آن سیاست آمریکا در قبال اسرائیل بر دیگر مسائل اصلی منطقه مقدم داشته می‌شود. نقطه نظرات بی‌قید و شرط آمریکا در مورد اسرائیل برخلاف تعبیر سایر کشورهای مهم منطقه است. ایران از آن رو که مصری‌ها از فلسطینی‌ها حمایت می‌کند مورد اتهام طرفداران اسرائیل در آمریکا قرار گرفته و منزوی شده است.

ششم، آمریکا به عنوان قدرت استیلاجوی جهانی باید یادیدنی‌تری به سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها نگاه کند. رهبران آمریکا به تحولات داخلی ایران حساسیت کمی نشان می‌دهند و اغلب در مورد مذهب شیعه چیزی نمی‌دانند. این مسئله تا حدودی نتیجه ناآگاهی، تا حدودی نتیجه تعصب و رزوی، و تا حدودی هم به خاطر مسائل سیاسی است. ایالات متحده نمی‌تواند مسائل همسایگان را در این جهان متحول که هر روز کوچکتر می‌شود نادیده بگیرد.

روابط سرد میان ایران و آمریکا تنها به زیان هر دو طرف تمام می‌شود بلکه بطور کلی بر نظام جهانی هم تأثیر منفی دارد. در درازمدت این قدرت استیلاجوی جهانی نیاز دارد که با همزمن

3. John Colabrese, "China and the Persian Gulf: Energy and Security" *Middle East Journal*, No. 52, "Summer 1998, p. 365.

۴. برای نمونه بر. ک. به:

Congressman Tom Lantos, "Let's Not Reward Iran for Bad Behavior". *The Washington Post*, May 28, 2001.

برای آگاهی از نقش ایپاک در حمایت از تمدید تحریمهای ایران و لیبی نیز بر. ک. به:

Alan Sipress, *The Washington Post*, June 9, 2001.

5. Samuel P. Huntington, "The Lonely Superpower" *Foreign Affairs*, March / April 1999, pp. 35-49.

6. Molly Noore, *The Washington Post*, June 7, 2001.

خلیج فارس یعنی ایران از تباط برقرار و همکاری کند.

یادداشت‌ها

۱. مسلمان‌زیر سیستم‌ها و هم‌زمن‌های دیگری هم وجود دارند. یکی از مهمترین آنها روسیه است که برآه آن در همین مقاله بحث کرده‌ایم. اما به خاطر نقش ویژه چین و به دلیل روابط قوی ایران و چین تجزیه و تحلیل خود را روی زیر سیستم‌های خاور میانه و آسیای شرقی متمرکز کرده‌ایم.

۲. پیشگامی به این صورت تعریف می‌شود: دیداری دیپلماتیک بین دو دولت ملی در سطحی پایین تر و بالاتر از وزیر خارجه. در خلال سالهای ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ ایران و چین ۲۶ پیشگامی دیپلماتیک داشتند. تنها کشورهایی که مرتبه بالاتر از چین در تدریس روسیه، ترکمنستان، پاکستان، آذربایجان، هند، ترکمنستان هستند.



ژو، شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی